

کلیدواژه‌ها: تمثال حضرت علی (ع)، خزانه عامره، شمایل‌خانه، ناصرالدین شاه قاجار، میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی غفاری، خزائن ملوک سلف

تمثال حضرت علی (علیه السلام) در خزائن ملوک سلف

چکیده

نمره ۳۰۵ روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۳ ق به تمثالی از حضرت علی (ع) اشاره کرده که در عهد آن حضرت ایجاد شده و از خزائن ملوک سلف به خزانه عامره دولت ناصری انتقال یافته است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این بوده که آیا به راستی چنین تمثالی وجود داشته و این تمثال کدامست؟ سؤالات فرعی مربوط به چگونگی آن تمثال، کیستی ملوک سلف، و چگونگی تمثال نشانی بوده‌اند که میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی غفاری به فرمان ناصرالدین شاه از روی آن تمثال کشیده است. بدین ترتیب، پژوهش بر پایه این پیش‌فرض که تمثال خزائن ملوک سلف در «کتابچه جواهرات سلطنتی» دوره ناصری سند شده، شکل گرفته است. مهم‌ترین هدف، سپس یافتن این تمثال بوده است. لذا تلاش شده با روش کیفی (استقرایی) و با استفاده از ابزارهای توصیف، ارزیابی، تحلیل، قیاس و تطبیق از میان تمثال‌های حضرت علی (ع) سند شده در کتابچه مذکور (جامعه آماری) اکتشاف شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که سند پرده رنگ روغنی در «کتابچه جواهرات سلطنتی» مربوط به تمثال خزائن ملوک سلف بوده است. به نظر می‌رسد این سند یا متعلق به تمثال خزانه موزه آستان قدس رضوی است که در برخی مراسمات در تکیه دولت نصب می‌شده است، یا متعلق به اثری در همان ابعاد، تکنیک، فرم و محتوا است. عمرسنجی دقیق تمثال خزانه موزه آستان قدس رضوی این مسأله را مشخص خواهد نمود؛ اگر عمر این اثر بیش از دوره ناصری باشد، متعلق به خزائن ملوک سلف بوده، اما اگر حدود دوره ناصری باشد، اثر صنایع الملک بوده است.

هاجر سلیمی نمین

استادیار گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، نویسنده مسئول.
h.salimi@alzahra.ac.ir

مصطفی گودرزی

استاد گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Goudarzi40@gmail.com

بهمن نامور مطلق

دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
bnmotlagh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲-۱۰-۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳-۰۶-۱۰

1-DOI: 10.22051/pgr.2024.45976.1232

مقدمه

دست اول مراجعه شده است و در گام بعدی تلاش شده نشان تمثالی از حضرت علی(ع) شناسایی شود که توسط صنایع الملک از روی تمثال خزائن ملوک سلف نقل شده است. در گام بعد نامزدهای تمثال حضرت علی(ع) در خزائن ملوک سلف، برای شناسایی آن بررسی شده‌اند و در پایان تلاش شده به کیستی ملوک سلف پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

نگارنده تاکنون در مورد مرجع نخست تمثال خزائن ملوک سلف نتوانسته در منابع دست اول یعنی متون مرتبط با دربار توضیحی بیابد و به جز اشاراتی به هند در متون سفرنامه‌ها، مطلب دیگری یافت نشده است و همان‌طور که اشاره شد این دست مطالب نیاز به بررسی دقیق‌تر و گاه حتی نیاز به راستی‌آزمایی دارند. ساموئل گراهام ویلسون^۷ در کتاب «Persian life and customs» (Wilson, 1895: 213) یاکوب ادوارد پولاک^۸ (۱۸۶۵ م) در کتاب «سفرنامه پولاک» (پولاک، ۱۳۶۸ ش: ۲۲۲ و ۲۲۳)، هاینریش کارل بروگش^۹ (۱۸۶۱ م) در کتاب «سفری به دربار سلطان صاحبقران» (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲: ۵۷۵) و جوزف آرتور دوگوبینو^{۱۰} (۱۸۵۹ م) در کتاب «سه سال در آسیا» (گوبینو، ۱۳۸۳: ۲۳۰ و ۲۳۱) کشور مبدأ این تمثال را هند معرفی کرده‌اند.

یکی از پژوهش‌های معاصر که به موضوع تمثال خزائن ملوک سلف ورود پیدا کرده‌اند کتاب میرزا ابوالحسن خان غفاری صنایع الملک نوشته یعقوب آژند است که آن تمثال را از یادگارهای دوره صفوی دانسته است (آژند، ۱۳۹۰: ۶۹). یکی دیگر از پژوهش‌ها کتاب «Qajar Shiite Material Culture From the Court of Naser al-Din Shah to Popular Religious Paintings» نوشته پدram خسرو نژاد (۲۰۱۸م-۱۳۹۶ ش) است. هرچند این کتاب متمرکز بر روی موضوع تمثال خزائن ملوک سلف نبوده لیکن به برخی نمونه‌هایی که از روی آن تمثال نقل شده‌اند، اشاراتی داشته است. به همین طریق، مهدی محمدزاده (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود تحت عنوان «مدال‌های مصور و تقدیس قدرت در عصر قاجار» بر روی موضوع تمثال خزائن ملوک سلف متمرکز نبوده لیکن رسیدن آن را از هند تأیید نموده و به برخی نمونه‌هایی که از روی آن تمثال نقل شده‌اند، اشاراتی داشته است. لازم به ذکر است که هیچکدام از پژوهش‌های معاصر به طور خاص بر روی این موضوع متمرکز نبوده‌اند و بنابراین پژوهش حاضر، نخستین پژوهش مستقل در این باب است.

در خصوص خزانه عامره ناصرالدین شاه قاجار، منابع دست اول، اسناد و اجناس آن، روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه و درباریان، سفرنامه‌ها، روزنامه‌های دولتی، نسخی چون روضه الصفای ناصری^۱، ناسخ التواریخ سلاطین قاجاریه^۲، مرآت البلدان^۳، تاریخ منتظم ناصری^۴، مرآت الوقایع مظفری^۵ و ... هستند که در زمان مورد مطالعه خلق شده‌اند. نکته مهم این است که برخی منابع دست اول شامل نوشته‌های اشخاص نزدیک به ماجرای می‌شوند که پیرامون آن ماجرا می‌نویسند. این امکان وجود دارد که به دلایل مختلف در برخی منابع دست اول، مطلبی طبع شود که صحت نداشته باشد؛ در بسیاری از روزنامه‌های دولتی، روزنامه‌های خاطرات درباریان و ... و خصوصاً در بسیاری از سفرنامه‌ها موارد این چنینی قابل مشاهده هستند. بنابراین منابع دست اول، خود، به لحاظ اعتبار به دو دسته قابل تقسیم هستند و همواره یک دسته اصیل و معتبر وجود دارد و دسته‌ای دیگر که نیاز به راستی‌آزمایی دارد. از جمله مسائلی که در مورد تمثال‌های حضرت علی(ع) همواره ذهن نگارنده را به خود مشغول داشته، تمثال خزائن ملوک سلف ناصری بوده است. نمره ۳۰۵ روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۳ ق به تمثالی از حضرت علی(ع) اشاره کرده که در عهد آن حضرت نقش شده و از خزائن ملوک سلف به خزانه عامره دولت ناصری انتقال یافته است. امروزه هیچ‌گونه اطلاعاتی از تمثال خزائن ملوک سلف موجود نیست و هیچ پژوهش مستقلی در خصوص آن صورت نپذیرفته است. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این بوده که آیا به راستی چنین تمثالی وجود داشته و این تمثال کدامست؟ و به تبع سؤالات فرعی از این قرار بوده‌اند که تمثال خزائن ملوک سلف چگونه بوده، مرجع آن کدام تمثال و مبدأ آن کدام کشور بوده، ملوک سلف که بوده‌اند، و تمثال نشانی که میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی غفاری^۶ به فرمان ناصرالدین شاه از روی آن تمثال کشیده، چگونه بوده است؟ بدین ترتیب، پژوهش بر پایه این پیش‌فرض که تمثال خزائن ملوک سلف در کتابچه جواهرات سلطنتی دوره ناصری سند شده، شکل گرفته و مهم‌ترین هدف، یافتن تمثال خزائن ملوک سلف بوده است. بنابراین در گام نخست پژوهش برای یافتن اطلاعات بیشتر در مورد تمثال حضرت علی(ع) در خزائن ملوک سلف، گزارش‌های متون دست اول قاجاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در گام دوم به تمثال‌های حضرت علی(ع) در خزانه عامره ناصری به عنوان متن معتبر

این در حالی است که مطالعه تطبیقی نگاره‌ها و اسناد، این پژوهش را در نوع خود بی‌مانند ساخته است.

بدین ترتیب، از آنجا که پژوهش حاضر بر پایه این پیش‌فرض که تمثال خزائن ملوک سلف در کتابچه جواهرات سلطنتی دوره ناصری سند شده، شکل گرفته، مقاله «شمایل‌خانه گمشده» به قلم نگارنده (۱۴۰۱)، که در آن کتابچه سند جواهرات سلطنتی مربوط به اسناد جواهرات خزانه عامره ناصرالدین‌شاه معرفی و پنج تمثال حضرت علی(ع) موجود در آن شناسایی شده، به نوعی به عنوان پیشینه پژوهش حاضر مطرح بوده است.

تفاوت پژوهش مذکور با پژوهش حاضر در این است که صرفاً بر شناسایی تمثال‌های کتابچه متمرکز بوده و به بحث شناسایی تمثال خزائن ملوک سلف ورود پیدا نکرده است.

روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر بر پایه این پیش‌فرض که تمثال خزائن ملوک سلف در کتابچه سند جواهرات سلطنتی دوره ناصری سند شده، شکل گرفته، پنج تمثال حضرت علی(ع) سند شده در کتابچه سند جواهرات سلطنتی که در مقاله «شمایل‌خانه گمشده» معرفی و شناسایی شده‌اند، به عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر مطرح بوده و همگی مورد پیمایش قرار گرفته‌اند.

بنابراین در پژوهش حاضر تلاش شده تمثال خزائن ملوک سلف با روش تحقیق کیفی (استقرایی) و با استفاده از ابزارهای توصیف، ارزیابی، تحلیل، قیاس و تطبیق از میان تمثال‌های جامعه آماری اکتشاف شود.

مبانی نظری پژوهش

تمثال حضرت علی(ع) در خزائن ملوک سلف

۱- گزارش‌های قاجاری در مورد تمثال حضرت علی (علیه السلام) در خزائن ملوک سلف

در نمره ۳۰۵ روزنامه وقایع اتفاقیه در سنه ۱۲۷۳ ق آمده است: «سرکار اعلیحضرت قوی شوکت

شاهنشاه دین پناه خلدالله ملکه و سلطانه ... بعد از حصول این نصرت و ظفر و وقوع چنین فتح عظیم از جانب خاور در ازاء زحماتی که در راه دین و دولت بر وجود فایض الجود همایون قبول فرموده بودند شایسته چنان دیدند که همچنان‌که در باطن استفاضه و استمداد از درگاه حضرت احدیت و مقربین بارگاه صمدیت عزّ و علا و تبارک و تعالی می‌فرمایند در ظاهر نیز از این عالم معنی صورتی اتخاذ شود و دین و دولت را ظاهر و ملاذ آید علی‌هذا تمثال بی‌مثال مبارکه حضرت سید الاولیاء و سند الاصفیاء یعسوب الدین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام را از روی صورتی که در عهد آن حضرت نقش کرده و از خزائن سلاطین سلف یداً به‌ید به خزانه عامره این دولت عظمی شرف داده بود نقل کرده و به جواهر گران‌بهای ثمین قیمتی به بهترین وضعی و خوش‌ترین [صیاعتی] مکمل داشته و اعظم و اقدم نشان‌های مخصوص سلطنت کبری و خاصه ذات همایون خلافت پیر اقرار دادند و برای آویختن این نشان عظیم المثال همایون حکم از مصدر عظمت و جلالت شرف نفاذ یافت که مجلس، جشنی ملوکانه و عیشی خدیوانه تربیت شود ... و بر حسب همین اشارت علیّه خسروانی در روز چهارشنبه بیست و هفتم شهر ربیع‌الاول به همان تفصیلات مزبوره در تالار تخت مرمر و اطاق نقاش‌خانه و اطاق‌های فوقانی آن عمارت عالی‌بنیان پادشاهی مجلس‌های متعدد و مرمت و شیلان کشیده شد و شیرینی‌های الوان چیدند» (تصویر ۱).

در این پژوهش به دنبال تمثالی از حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) هستیم که در عهد آن حضرت ساخته شده بوده و در این گزارش به آن اشاره شده است.

اطلاعاتی که در مورد این تمثال از طریق متن خبر پیدا کرده‌ایم از این قرار هستند که این تمثال در زمان حیات حضرت علی(ع) ایجاد شده بوده و از خزائن سلاطین سلف به خزانه دولت ناصری رسیده بوده، و در خزانه عامره دولت ناصرالدین شاه قاجار نگه‌داری می‌شده است.

به علاوه تمثالی از روی آن در قطع کوچک مثنی‌برداری شده بوده که روز چهارشنبه بیست و هفتم ربیع‌الاول ۱۲۷۳ ق به عنوان نشان سلطنتی برای شاه نصب شده است.



تصویر اخیر نصب نشان تمثال امیرالمؤمنین(ع)، روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۳۰۵، سنه ۱۲۷۳ ق (ماخذ: مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).

می‌پندارد که شمایل واقعی حضرت علی (ع) در تملک اوست» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۲۲ و ۲۲۳). آنته لسو^{۱۳} در دهه ۱۸۸۱ م می‌نویسد: ناصرالدین‌شاه باور دارد که صاحب تنها پرتوهای است که به طور مستقیم از آن انسان مقدس [حضرت علی(ع)] نقاشی شده است (Laessøe, 1881: 201-202). بدین ترتیب به نظر می‌رسد عموم مردم از وجود این تمثال مطلع بوده‌اند.

۲- تمثال‌های حضرت علی(ع) در خزانه عامره ناصرالدین شاه قاجار

با استناد به این متون، اگر تمثالی موجود بوده که متعلق به خزان ملوک سلف بوده و از خزان دول قبلی مستقیماً به خزانه عامره دولت ناصری رسیده بوده، قطعاً جزء جواهرات سلطنتی ناصری محسوب می‌شده، زیرا آثار خزانه عامره همگی جزء جواهرات سلطنتی بوده‌اند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، نگارنده در مقاله «شمایل خانه گمشده»، کتابچه سند جواهرات سلطنتی را که مربوط به اسناد جواهرات خزانه عامره ناصرالدین‌شاه بوده، معرفی نموده است. کتابچه منظور نظر حاوی اسناد شمایل‌های موجود در خزانه عامره و دربار ناصرالدین‌شاه بوده است و در حال حاضر در مرکز اسناد کتابخانه و موزه ملک، به شماره ثبت ۶۱۶۴ نگاهداری می‌شود (جهت مطالعه بیشتر ر.ک به سلیمی نمین و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۶).

در این کتابچه، سند پنج تمثال از حضرت علی(ع) موجود بوده که در مقاله مذکور شناسایی شده‌اند. نخستین تمثال، نشان سینه و گردنی است که صورتگر آن میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی است و از سرنوشت کنونی آن اطلاعی در دست نیست.

محمدحسن اعتمادالسلطنه^{۱۴} در مرآة البلدان و منتظم ناصری در وقایع سال ۱۲۷۳ ق می‌نویسد: چون تمثال شمایل مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) که در عصر آن حضرت از روی چهره مبارک آن بزرگوار ساخته‌اند از خزائن ملوک سلف به خزینه این دولت جاوید عدت انتقال یافته بر حسب امر همایون میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی^{۱۵} که در این صنعت وحید اعصار و فرید ادوار است از روی آن تمثالی عظیم المثل ساخته به جواهر آبدار ترصیع کردند و به لثالی شاهوار علاقه بستند، روز چهارشنبه بیست و هفتم ربیع‌الاول نظر به حسن عقیدت و خلوص توسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانی خود آویختند و جشن و سروری باشکوه و سلام عام منعقد گردید و بخشش‌های ملوکانه فرمودند. به میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی غفاری یک جعبه رنگ نقاشی طلا که در وسط آن گل الماس گران‌بهای ثمین است مرحمت فرمودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ الف: ۱۲۷۵) (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ ب: ۱۷۹۴). رضاقلی خان هدایت در روضه الصفای ناصری (هدایت، ۱۰۶۵: ۱۲۷۳ و ۱۰۶۶)، و محمدتقی بن محمدعلی سپهر در ناسخ‌التواریخ سلاطین قاجاریه (سپهر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۲۰۹) نیز همین گزارش را با ادبیاتی دیگر آورده‌اند. اطلاعات بیشتری که از طریق متون گزارش‌های اخیر در مورد این تمثال پیدا کرده‌ایم از این قرار هستند که میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی شخصی بوده که تمثالی از روی آن برای قرار گرفتن در نشان، مثنی‌برداری کرده بوده است. به علاوه اینکه چنین گفته می‌شده که تمثال در عصر آن حضرت از روی چهره مبارک ایشان ساخته شده است. یاکوب ادوارد پولاک در سال ۱۸۶۵ م در کتاب سفرنامه پولاک می‌نویسد: «شاه چنین

نگهداری می‌شوند. به نظر می‌رسد پنجمین تمثال اکنون در خزانه موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و صورتگر آن نامعلوم است (سلیمی نمین و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۴) (جدول ۱).

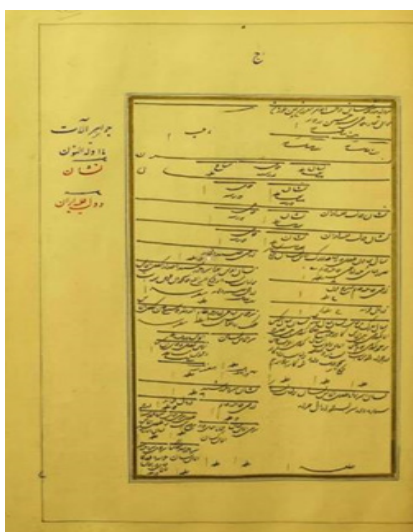
دومین تمثال عکسی از صورت مبارک حضرت علی (ع) در زیر آئینه سنگ است و اکنون در خزانه موزه جواهرات ملی نگهداری می‌شود. تمثال سوم اثر آقا حسن برادرزاده آقا یعقوب و چهارمین تمثال اثر اسماعیل جلایر است و هر دو اکنون در خزانه موزه کاخ گلستان

جدول ۱ سند تمثال‌های حضرت علی (ع) در کتابچه جواهرات سلطنتی (سلیمی نمین و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۴).

تمثال‌های کتابچه سند جواهرات سلطنتی	اولین تمثال سند	دومین تمثال سند	سومین تمثال سند	چهارمین تمثال سند	پنجمین تمثال سند
محل نگهداری	نامعلوم	خزانه موزه جواهرات ملی	خزانه موزه کاخ گلستان	خزانه موزه کاخ گلستان	خزانه موزه آستان قدس رضوی
صورتگر	میرزا ابوالحسن نقاش باشی غفاری	نقاش مسیحی، نامعلوم	آقا حسن برادر زاده آقا یعقوب	اسماعیل جلایر	نامعلوم
تصویر تمثال					

۳- نشان تمثال حضرت علی (ع) نقل شده توسط صنایع الملک از روی تمثال خزائن ملوک سلف

به نظر می‌رسد در مسیر کشف چگونگی تمثال خزائن ملوک سلف، نخستین گام می‌تواند شناسایی تمثال نشانی باشد که میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی ملقب به صنایع الملک بر حسب امر ناصرالدین‌شاه از روی آن کشیده است چرا که این تمثال ارجاع مستقیم به تمثال خزائن ملوک سلف داشته است. همان‌طور که اشاره شد، طبق بررسی‌های تطبیقی در مقاله «شمایل‌خانه گمشده» به نظر می‌رسد نخستین تمثال در کتابچه سند جواهرات سلطنتی، همان نشان تمثالی است که صنایع الملک کشیده است (سلیمی نمین و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۰). علاوه بر این نگارنده کتابچه سندی از اسباب موجودی در موزه سلطنتی یافته که حاوی سه سند از نشان تمثال مبارک است و یکی از آنها اثر صنایع الملک بوده است (تصویر ۲). در این سند نیز به پشت‌باز بودن، فرنگی‌ساز بودن و الماس برلیانت داشتن و علاوه بر اینها به داشتن یک تخمه درشت الماس اشاره شده است که در تطبیق با سند و تصویر نشان تمثال ذکر شده، تأیید می‌نماید که صنایع الملک نقاش تمثال این نشان بوده است.



تصویر ۲ کتابچه اسباب موجودی در موزه سلطنتی ایران، سال ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۵ ق، شناسه سند: ۷۱۸۴ / ۲۹۵ (مأخذ: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران).

نشان تمثال مبارک کار مرحوم صنایع الملک الماس برلیانت نشان پشت‌باز که یک قطعه تخمه درشت دارد، فرنگی‌ساز نشان تمثال عکس گیلای اصل لعل که گیلای اطراف الماس برلیانت ریزه کار شده کار استاد ابراهیم

۴- تمثال حضرت علی(ع) در خزائن ملوک سلف

قاعدتاً یکی از پنج سند کتابچه سند جواهرات سلطنتی، متعلق به تمثالی است که از خزائن ملوک سلف رسیده است و بنابراین هر پنج تمثال، نامزدهای^{۱۴} تمثال خزائن ملوک سلف هستند و بایستی برای شناسایی آن تمثال، مورد مطالعه قرار گیرند، ولی باید دقت داشت که از میان آنها، سه تمثال، فاکتورهای نامزد تمثال خزائن ملوک سلف بودن را ندارند؛ زیرا تمثال نخست، توسط صنایع الملک از روی تمثال خزائن ملوک سلف کشیده شده و بنابراین از میان نامزدها حذف می‌گردد. تمثال چهارم نیز عمل اسماعیل جلایر است (سلیمی نمین و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۴) و بنابراین از ملوک سلف نبوده است. تمثال سوم نیز از قبل در شمایل‌خانه وجود نداشته و توسط آقا حسن برادرزاده آقا یعقوب اضافه شده و بنابراین مشخص است که از خزائن ملوک سلف نبوده است. اشاره به این مطلب نشان می‌دهد که باقی تمثال‌ها پیش از ۱۲۹۱ ق در خزانه بوده‌اند؛ بنابراین در ادامه به بررسی این دو نامزد خواهیم پرداخت. تمثال خزائن ملوک سلف بایستی شبیه به تمثال نشان سند نخست باشد که اثر صنایع الملک بوده است. همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، دو نامزد نه تنها بسیار به هم شبیه هستند بلکه هر دو به تمثال نشان نیز شباهت دارند. بنابراین در

مورد شکل، فرم و محتوای کلی تمثال خزائن ملوک سلف تکلیف مشخص است و بحث در مورد جزئیات خواهد بود.

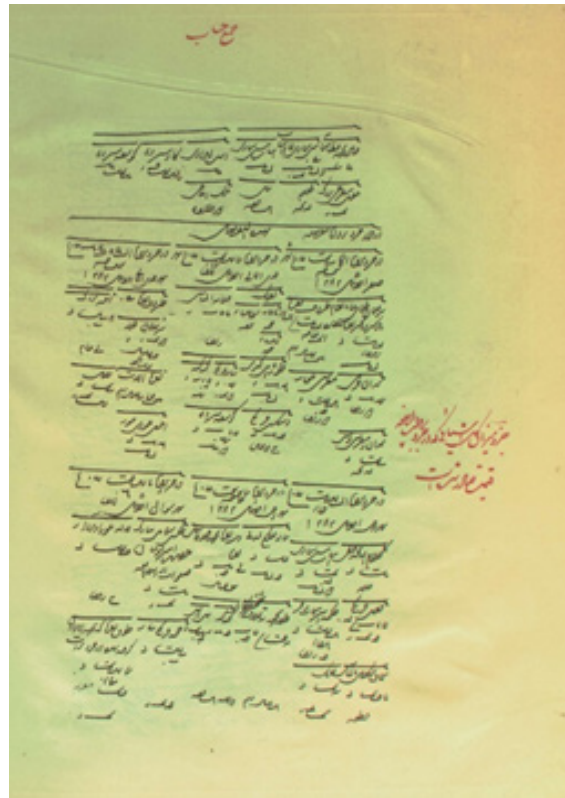
۴.۱- نامزد اول

نامزد اول، دومین تمثال در کتابچه سند جواهرات سلطنتی است که تحت عنوان «عکس صورت مبارک حضرت ولایت مآب علیه‌السلام در زیر آئینه سنگ» در ذیل شمایل‌خانه سند شده و هم اکنون در موزه جواهرات ملی، نگهداری می‌شود (تصویر ۳). نگارنده در مقطع انجام پژوهش حاضر، کتابچه جنسی بیوتات را مورد بررسی قرار داده که مربوط است به «مشخص جمع و خرج پیشکشی و غیره به حضور مبارک اقدس همایون از بابت هفت ساله از یونتئیل ۱۲۷۵ لغایت سیچقانئیل ۱۲۸۲ ابواب جمعی میرزا هاشم خان امین‌الدوله مطابق کتابچه‌های مفاسه حساب دیوانی مرحوم مزبور که به دستخط مبارک مزین گردیده است» (کتابچه جنسی بیوتات، ۱۲۷۵-۱۲۸۳) و در توضیح آن آمده است: «از بابت اشیاء حاصل ابتیاع هفت ساله از قرار جزو صدور بروات دیوانی که بر حسب امر قدر قدرت اعلی حضرت اقدس همایونی مقرر شد که کلیه اشیاء ابتیاعی و قیمتی که بتوسط صاحب جمعان وجوه صرف جیب مبارک خریده شده و در محاسبات نقدی خودشان



تصویر ۳، تمثال حضرت علی(ع)، قاب زرین الماس‌نشان، خزائن موزه جواهرات ملی، گنجینه ۲۰ شماره ۳۸ (مأخذ: موزه جواهرات ملی).

خزائن ملوک سلف (یعنی ۱۲۷۳ ق) در دربار نبوده و بنابراین تمثال خزائن ملوک سلف این تمثال نبوده بلکه بسیار مشابه بدان بوده است. لکن انجام یک بررسی برای اکتشاف مرجع عکس فوریت دارد. مشخص است که اهمیت این عکس، سبب قرارگیری آن در چنین قابی شده و اهمیت آن به معنی قدمت و اعتبار تمثالی که از آن عکاسی شده و همچنین اطمینان از صحت انتساب تمثال به حضرت علی (ع) و ... بوده است. از تحلیل و تطبیق دو سند و اثر چنین بر می آید که عکس از اثری بیرون از دربار تهیه شده است. بنابراین مشخصاً به دنبال مرجع عکس در خارج از دربار در ایران و یا به طور کلی در خارج از ایران هستیم. باید توجه داشت که نخستین دستگاه‌های عکاسی به روش داگرتیپ، به درخواست محمدشاه قاجار از کشورهای روسیه و انگلیس به دربار ایران وارد شده‌اند و در دسامبر ۱۸۴۲ م / آذر ۱۲۲۱ ش نخستین عکس‌برداری در ایران انجام شده است. به‌طور کلی پیدایش عکاسی و رواج روش‌های گوناگون این فن در ایران، با اختلاف حدود سه سال از اعلام موجودیت عکاسی در فرانسه روی داده است؛ بنابراین ناصرالدین‌شاه دوربین عکاسی داشته و می‌توانسته از هر اثری که مطلوب وی بوده عکاسی کند و نیاز نداشته عکس آن را خریداری کند. به علاوه ناصرالدین‌شاه در داخل ایران هر چیزی را با هر بهایی می‌توانسته تهیه کند و نیازی نداشته که عکسی از آن تهیه و در داخل قاب قرار دهد، بنابراین وجود مرجع این عکس در داخل ایران تقریباً منتفی به نظر می‌رسد مگر اینکه اثر مرجع، قابل جابجایی نبوده باشد، مثلاً اینکه روی دیوار یک کلیسا کشیده شده باشد. هیچ‌کدام از اخبار مربوط به نشان تمثال امیرالمؤمنین (ع) با این حدس تناقض ندارند که مرجع عکس در خارج از ایران بوده باشد. تعدادی عکس از نقاشی‌های موزه‌های مختلف در سفر ناصرالدین‌شاه و حتی سفر سایر افراد مرتبط با دربار به کشورهای خارجی تهیه شده‌اند و تعداد زیادی عکس و آلبوم عکس نیز از اقامت‌های به دربار هستند که نشان می‌دهند عکاسی از نقاشی، کاری مرسوم بوده و عکس از نقاشی بهای خاص خود را داشته است. این عکس‌ها که نقش مهمی در هنر دوره قاجار ایفا کرده‌اند، در موضوعات مذهبی اختصاص به تمثال حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) داشته‌اند و این عکس از تمثال حضرت علی (ع) یکی از عکس‌هایی است که نگارنده احتمال می‌دهد به همین ترتیب از خارج وارد ایران شده است؛ خصوصاً آنکه در این اثر علاوه بر طاق قوسی شکل متصل به دو ستون، فرشتگان و پوشش و حالات تمثال پنجم کتابچه



تصویر ۴، کتابچه جنسی بیوتات، ۱۲۷۵-۱۲۸۲ ق، شناسه سند: ۲۹۵/۷۲۱۷، مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ماخذ: مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).

جمع حساب

جزو میزان کل اشیائی که در جزو بروات بصیغه قیمت صادر شده است

در جزو برات ۱۵۸ تومان به تاریخ شهر شوال اودئیل ایضا [۱۲۸۲]

عکس شمایل مبارک حضرت امیرمؤمنان صلوات الله و سلام علیه، ۳۰ تومان، مقررأ عدد (یک عدد)

خرج نوشته‌اند در حساب جنسی آنها جمع شود و هر قدر از آن اشیاء را بمودیان دیگر داده باشند از قرار سند قلمداد نمایند که در حساب سایر مودیان هم رسیدگی و جمع و خرج شود» (همان: همان: جا). در این کتابچه، سندی از ابتیاع عکس شمایل مبارک حضرت امیرمؤمنان (ع) در سال ۱۲۸۲ ق موجود است (تصویر ۴). به نظر می‌رسد این سند مربوط به عکس تمثال موجود در خزانه موزه جواهرات ملی است.

در جمع‌بندی باید گفت با توجه به تاریخ خریداری عکس (یعنی ۱۲۸۲ ق)، این عکس در زمان ساخت و نصب نشان تمثال امیرالمؤمنین (ع) از روی تمثال

خزائن ملوک سلف بوده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در مقاله شمایل‌خانه گمشده تمثال خزانه موزه آستان قدس رضوی شناسایی شد (تصویر ۵) که در برخی مراسمات در تکیه دولت^{۱۵} نصب می‌شده است (سلیمی نمین و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۳). باید توجه داشت که حصول نتیجه قطعی معطل عمرسنجی دقیق این تمثال است؛ چنانچه بررسی دقیق‌تر و دستگاهی^{۱۶} تمثال خزانه موزه آستان قدس رضوی عمر آن را بیش از دوره ناصری تعیین نماید، این تمثال مربوط به سند کتابچه جواهرات سلطنتی و تمثال خزائن ملوک سلف بوده است، اما چنانچه این بررسی عمر آن را حدود دوره ناصری تعیین نماید، دو سوال پیش می‌آید: اول اینکه تمثال خزائن ملوک

سند، آنها، در بالای سر حضرت علی(ع) «چشم الهی» نیز دیده می‌شود که نمادهایی مربوط به نقاشی مذهبی در دین مسیحیت هستند و مسئله مسیحی بودن مرجع این نقاشی و نقاش آن را مطرح می‌کنند و ما را به سمت جستجوی مرجع این تمثال در کشورهای مسیحی مذهب سوق می‌دهند.

۴،۲- نامزد دوم

نامزد دوم، همان‌طور که اشاره شد، تمثال پنجم سند کتابچه سند جواهرات سلطنتی یعنی تصویر حضرت علی(ع) روی پرده‌ای رنگ‌روغنی است. چون تمثال خزانه موزه جواهرات ملی هم از دایره نامزدها خارج شد، به نظر می‌رسد همین سند مربوط به تمثال



تصویر ۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۳۱۷، ۱۲۷۳ ق، لوی ٹیل (ماخذ: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).



تصویر ۵. تمثال حضرت علی(ع)، خزائن موزه آستان قدس رضوی، هدایی سرهنگ ابراهیم بیگلر زاده، ۱۳۴۱، ۱۹۰*۱۴۰ سانتی‌متر (بدون قاب) (ماخذ: موزه آستان قدس رضوی).

نموده و صنعت شبیه‌کشی را که در ایران سابقاً چندان معمول نبود و استادان کامل درست از عهده بر نیامده بودند، به سر حد کمال رسانید و وحید عصر خود گردید و خدماتش همگی مقبول خاک‌پای اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی افتاده و مورد شمول مراجع شاهانه گردیده است از جمله در تصویر تمثال بی‌مثال حضرت مولای کل، هادی سبل، اسدالله الغالب، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه آلاف التحیه و السلام، کمال مهارت و استادی را به کار برده بود، موجب اهتزاز مکارم علیه خسروانه گردیده، موازی یک جعبه جای رنگ نقاشی طلا که در وسط گل الماس و شیر و خورشید دارد و بسیار

سلف کدามست و کجاست؟ دوم اینکه نقاش تمثال خزانه موزه آستان قدس رضوی چه کسی است و سند این اثر کجاست؟

۴،۳- انتساب تمثال خزانه آستان قدس رضوی و تمثال تکیه دولت به صنیع‌الملک

پیش از پاسخ دادن به این سوالات لازم است نظری به یک گزارش بیفکنیم. در شماره ۳۱۷ روزنامه وقایع اتفاقیه آمده است: «عالی‌جاه میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی که تربیت یافته خاص دربار گردون مناص و در فن تصویر و شبیه‌کشی بی‌عدیل و نظیر است، مدتی در صفحات فرنگستان تحصیل

جدول ۲: گزارش‌های تمثال‌های حضرت علی (ع) در روزنامه وقایع اتفاقیه (مأخذ: نگارنده)

گزارش اثر	اثر	پیش‌متن اثر	توضیحات	نقاش	تاریخ
روزنامه وقایع اتفاقیه- نمره ۳۰۵	تمثال امیرالمومنین (ع)	تمثال خزان ملوک سلف	برای نشان سینه و گردن ایجاد شده	میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی	مورخ ۲۷ ربیع الاول ۱۲۷۳ ق
روزنامه وقایع اتفاقیه- شماره ۳۱۷	تمثال امیرالمومنین (ع)	-	در کمال استادی کشیده شده و بابت آن موازی یک جعبه جای رنگ نقاشی طلا به نقاشش عنایت شده	میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی	۴ ماه بعد، مورخ غره رجب ۱۲۷۳ ق

جواب می‌رسیم که اثر جلایر به خاطر قاب طلاکاری شده در این کتابچه آمده و اثر صنیع الملک در کتابچه دیگری مختص شمایل‌خانه سند شده که هنوز یافت نشده است.

همان‌طور که ملاحظه شد، گزارش دوم روزنامه وقایع اتفاقیه (وقایع اتفاقیه، شماره ۳۱۷، مورخ غره رجب ۱۲۷۳ ق) اشاره به تحصیل میرزا ابوالحسن خان در فرنگستان و کمال مهارت و استادی وی در شبیه‌کشی تا پایه وچید و یگانه گشتن در عصر خویش دارد که تلویحاً اشاره به مهارت وی در سبک رئالیسم و ناتورالیسم اروپایی و بی‌رقیب بودن وی در این میزان مهارت است. از این مسئله چنین برداشت می‌شود که اثری که مورد الگوبرداری قرار گرفته، سبکی رئالیستی داشته و صنیع‌الملک با مهارت کامل این الگوبرداری را به سرانجام رسانده است. در گلستان هنر نیز آمده: «این نقاش هنرمند که در سلک نوابغ هنر انتظام دارد، در تاریخ هنر نقاشی نظیر او چند تن بیش نیستند. وی در شبیه‌سازی با آب و رنگ و رنگ روغن بسیار استاد بوده در پردازش شیوه‌ای مخصوص به خود داشت و در دقایق این هنر بی‌رقیب بوده است» (منشی قمی، بی‌تا: ۵۱). اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مورخ دوشنبه ۲۹ غره محرم ۱۳۰۵ ق می‌نویسد: «امروز چند صورت کار میرزا ابوالحسن صنیع‌الملک نقاش‌باشی که سی سال قبل ساخته بود از اندرون بیرون آوردند که بدهند قاب بکنند. از جمله صورت مرحوم اعتمادالسلطنه در زمان حاجت‌الدولگی بود و خیلی شبیه» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۵۹۱). دوستعلی خان معیرالممالک^{۱۷}، در مجله یغما در مورد صنیع‌الملک می‌نویسد: فن او در رنگ روغن، شبیه‌سازی و کپی بود (کپی عبارت است از نقل دقیق و جزءبه‌جزء پرده اصلی به‌وسیله نقاش دیگر). وی چهار پرده رنگ روغن از صنیع‌الملک دیده بوده و در مقاله خود

ثمین و گران‌بهاست برای مزید مفاخرت و امیدواری او مرحمت و عنایت فرمودند» (تصویر ۶) (وقایع اتفاقیه، شماره ۳۱۷، مورخ غره رجب ۱۲۷۳ ق).

از آنجا که گزارش‌های روزنامه وقایع اتفاقیه با فاصله حدود چهار ماه در شماره‌های ۳۰۵ و ۳۱۷ ثبت شده‌اند، ممکن است از دو تمثال مختلف از امیرالمومنین (ع) که توسط میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی ایجاد شده‌اند، صحبت نموده باشند، به‌ویژه به این دلیل که در گزارش اول از نشان صحبت شده اما در گزارش دوم بحثی از نشان نیست (جدول ۲). با عطف نظر به این گزارش در پاسخ به سوالات باید گفت که اگر تمثال خزانه موزه آستان قدس رضوی، تمثال خزان ملوک سلف نباشد، در آن صورت طبق سند و مطالعاتی که انجام شد به دنبال دو اثر مشابه هم هستیم که یکی اصل (تمثال خزان ملوک سلف) است و دیگری مثنی‌برداری شده از روی آن (توسط صنیع الملک) و به قولی کپی برابر اصل است، و در ابعاد، تکنیک، فرم و محتوا دقیقاً مشابه هم هستند؛ و در حال حاضر یکی از آنها را یافته‌ایم. تمثال خزانه موزه آستان قدس رضوی یا تمثال خزان ملوک سلف است یا اثر صنیع الملک است، بنابراین اگر تمثال خزان ملوک سلف نباشد، اثر صنیع الملک است. در آن صورت مثنی‌برداری صنیع الملک در تکیه دولت به نمایش گذاشته می‌شده و اثر اصلی احتمالاً در حال حاضر در خزانه یکی از موزه‌هاست. در این بخش در تلاش هستیم ادله خود را برای انتساب این اثر به صنیع‌الملک مطرح نماییم. اما در هر دو حالت این سوال باقی خواهد بود که چرا اثر صنیع الملک و تمثال خزان ملوک سلف هر دو در کتابچه جواهرات سلطنتی سند نشده‌اند؟ آیا چون اثر جلایر با ارزش‌تر از اثر صنیع الملک بوده در کتابچه سند شده است؟ از آنجاکه مطمئن هستیم چنین نبوده، در آن صورت به این

این نکته که نشان تمثال عمل صنیع‌الملک مشابه تمثال خزانه موزه جواهرات ملی بوده، توجه کنیم، تمثال تحسین شده وی باید مشابه تمثال خزانه موزه جواهرات ملی باشد. نگارنده در حال حاضر شش نمونه از این نوع تمثال را در دوره قاجار شناسایی نموده که همگی بدون تاریخ و امضا بوده‌اند (تصویر ۷) و بر این رأی است که حداقل یکی از این نمونه تمثال‌ها بوده که توسط صنیع‌الملک در قطع بزرگ و رئالیستی و از روی نسخه خزائن ملوک سلف کشیده شده است.

از یک سو، از آنجا که صنیع‌الملک در استخدام دربار بوده و برای خلق تمثال مذکور از دربار حقوق و انعام دریافت نموده است، باید اثر وی را در دربار

به طور اختصار به شرح آنها پرداخته است: ۱- کپی از پرده رافائل با موضوع مریم و مسیح (ع) ۲- کپی از پرده رافائل با موضوع عروج مسیح (ع) ۳- شبیه نسبتاً بزرگی از اوان جوانی ناصرالدین‌شاه ۴- شبیهی از پدر معیرالممالک سوار بر اسب (معیرالممالک، ۱۳۳۶: ۱۶۸-۱۶۹).

از آنجا که آثار به‌جای مانده از صنیع‌الملک، گزارش وقایع اتفاقیه و سایر متون مرتبط نشان‌دهنده مهارت قابل توجه وی در شبیه‌سازی و مثنی‌برداری هرگونه اثری از روی الگو بوده‌اند، اگر این واقعیت را که تمثال خزائن ملوک سلف الگوی صنیع‌الملک در خلق این تمثال خاص بوده در نظر بگیریم و به



تصویر ۷. کنار هم قراردادن تمثال‌ها برای بررسی کیفیت چهره‌پردازی و مقایسه با آثار صنیع‌الملک، به ترتیب از راست به چپ: تمثال سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تمثال نشان آستان قدس رضوی، تمثال مسجد معیرالممالک و خزانه آستان قدس رضوی، تمثال منسوب به هوناتانیان، تمثال خزانه موزه جواهرات، تمثال تکیه دولت، تمثال خزانه آستان قدس رضوی

۵- کیستی ملوک سلف

باید توجه داشت که در شباهت قابل توجه دو نامزد نکاتی نهفته است؛ دو نامزد به یک پیش‌متن واحد ارجاع دارند ولی ممکن است از دو طریق مختلف و در دو زمان مختلف به دربار رسیده باشند؛ ممکن است دسته‌ای از متون دوره قاجار در مورد نامزد اول و دسته‌ای دیگر در مورد نامزد دوم صحبت کرده باشند. از آنجا که اخبار و گزارش‌های دولت قاجار صرفاً به بیان لفظ «ملوک سلف» بسنده کرده‌اند، به نظر می‌رسد در مورد نامزد دوم صحبت کرده‌اند. نگارنده تاکنون در هیچ‌یک از گزارش‌های متون دست اول قاجاری اطلاعاتی در مورد کیستی ملوک سلف نیافته است، بنابراین می‌توان به ملوک سلف قاجاری، زندی، صفوی و ... اندیشید. چون نمونه‌های

و مکان‌های متعلق به شاه جستجو نمود^{۱۸}. از دیگر سو، از نصب شدن تمثال خزانه آستان قدس در تکیه دولت، مشخص می‌شود که متعلق به شمایل‌خانه ناصری بوده و بنابراین یکی از حدسیات نگارنده این است که اثر تحسین شده صنیع‌الملک در روزنامه وقایع اتفاقیه همین تمثال بوده است. علاوه بر این، ظن ذکاء به اثر منسوب به هوناتانیان^{۱۹} که سبب شده بود ابتدا آن را منسوب به صنیع‌الملک بدانند (ذکاء، ۱۳۴۲: ۲۱)، و نوشته کریم‌زاده تبریزی (تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۹)، یکی دیگر از ادله جستجوی آثار صنیع‌الملک در این‌گونه تمثال هستند. نگارنده در این مقطع صرفاً مسئله انتساب تمثال خزانه آستان قدس رضوی به صنیع‌الملک را مطرح می‌نماید و نتیجه قطعی را به اعلام نتیجه بررسی عمر دقیق این تمثال موکول می‌نماید.

از کشوری خارجی آمده است (نامزد اول)؛ مصادف شدن قرارگیری این دو تمثال مشابه در دربار و اعتبار مرجع آن دو سبب ورود نامزد اول نیز به خزانه شده است. این بدین معنی است که هر دو نامزد در دو دوره زمانی مختلف (ملوک سلف و ناصری) از روی پیش‌متنی واحد ایجاد شده بوده‌اند که در زمان حیات حضرت علی(ع) توسط فردی مسیحی از روی چهره مبارک ایشان ایجاد شده بوده و احتمالاً در کشوری خارجی (مسیحی مذهب) موجود بوده است.

نتیجه گیری

در این پژوهش، گزارش تاریخی نمره ۳۰۵ روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۳ ق در مورد تمثال حضرت علی(ع) بر اساس این پیش‌فرض که یکی از پنج تمثال حضرت علی(ع) در کتابچه سند جواهرات سلطنتی که در مقاله «شمایل‌خانه گمشده» شناسایی شده‌اند از خزائن ملوک سلف به خزانه عامره دولت ناصری رسیده است، مورد بررسی قرار گرفت و بدین ترتیب هر پنج تمثال برای شناسایی تمثال خزائن ملوک سلف مورد مطالعه قرار گرفتند. از میان آنها، سه تمثال، فاکتورهای نامزد تمثال خزائن ملوک سلف بودن را نداشتند؛ زیرا تمثال نخست توسط صنایع‌الملک از روی تمثال خزائن ملوک سلف کشیده شده بوده و تمثال چهارم نیز عمل اسماعیل جلاپور بوده (سلیمی نمین و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۴) و بنابراین از ملوک سلف نبوده‌اند. تمثال سوم نیز از قبل در شمایل‌خانه وجود نداشته و توسط آقا حسن برادرزاده آقا یعقوب اضافه شده (همان: همانجا) و بنابراین از خزائن ملوک سلف نبوده است. بنابراین دو تمثال باقی‌مانده به‌عنوان نامزد خزائن ملوک سلف شناخته شده و مورد بررسی قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان داد که نامزد اول در ۱۲۸۲ ق توسط ناصرالدین شاه ابتیاع شده است و بنابراین از خزائن ملوک سلف نرسیده است. نامزد دوم تمثالی رنگ‌روغنی از حضرت امیر(ع) است و به نظر می‌رسد همین تمثال از خزائن ملوک سلف رسیده است. به نظر می‌رسد تمثال متعلق به بازه زمانی پیش از دوره ناصری تا دوره صفوی بوده است؛ بنابراین ویژگی‌های تمثال از متن سند استخراج و با تمثال رنگ‌روغنی حائز اهمیتی در دوره قاجار که در تکیه دولت نصب می‌شده، مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفت و نتایج مطالعه نشان داد که ویژگی‌های تمثال تکیه دولت که اکنون در خزانه موزه آستان قدس رضوی گه‌داری می‌شود با سند برابری می‌کند و در صورتی که عمرسنجی دقیق تمثال تکیه دولت،

مشابه به این تمثال به سبک نقاشی ایرانی از دوره صفوی در ایران وجود داشته‌اند، رسیدن آن از ملوک صفوی بعید به نظر نمی‌رسد. یعقوب آژند نیز در میرزا ابوالحسن خان غفاری صنایع‌الملک بر این عقیده است که تمثال خزائن ملوک سلف باید از یادگارهای دوره صفوی بوده باشد (آژند، ۱۳۹۰: ۶۹)، همچنین رنگ‌روغنی بودن و روی بوم بودن این تمثال اجازه می‌دهد که تعلق داشتن آن را به دوره صفوی بپذیریم.^{۲۰}

اما اطلاعات جسته و گریخته‌ای که در برخی سفرنامه‌ها وجود دارند به سختی با اطلاعات گزارش‌های دولت قاجار قابل جمع هستند و به همین دلیل به نظر می‌رسد از تمثال دیگری سخن گفته‌اند. سفرنامه نویسانی چون ساموئل گراهام ویلسون (Wilson, 1895: 213)، یاکوب ادوارد پولاک در سال ۱۸۶۵ م در کتاب سفرنامه پولاک (پولاک، ۱۳۶۸ ش: ۲۲۲ و ۲۲۳)، هاینریش کارل بروگش در ۱۸۶۱ م در کتاب سفری به دربار سلطان صاحبقران (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲: ۵۷۵)، جوزف آرتور دوگوبینو در سال ۱۸۵۹ م در کتاب سه سال در آسیا (گوبینو، ۱۳۸۳: ۲۳۰ و ۲۳۱) هندوستان را به عنوان کشوری که تمثال از آن آمده، معرفی کرده‌اند و ناصرالدین شاه را دریافت کننده تمثال معرفی نموده‌اند و حرفی از ملوک سلف به میان نیاورده‌اند، بنابراین به نظر می‌رسد در مورد نامزد اول صحبت کرده‌اند.

نگارنده قضاوت نهایی و به طور کلی رد یا قبول ادعاهای متون مذکور خصوصاً سفرنامه‌ها را به راستی آزمایی آنها و زمانی موکول می‌کند که گزارش یا سندی معتبر و دست اول از دوره قاجار پیدا شود. هرچند شناسایی کشور مبدأ در شناسایی پیش‌متن این تمثال‌های حضرت علی(ع) و اکتشاف چگونگی ایجاد آن اهمیت دارد لیکن توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که تمثال‌های مذکور مرجعی مسیحی داشته و توسط مسیحیان ایجاد شده‌اند. چنانچه پیش‌تر ذکر شد حدس نگارنده بر ورود تمثال از کشورهای مسیحی مذهب است، چراکه چشم الهی، فرشتگان، کمربند و حمایل شمشیر، طاق قوسی متصل به دو ستون همگی به سبک نقاشی مسیحی هستند.

در حال حاضر طبق بررسی متون دست اول قاجاری چنین به نظر می‌رسد که تمثالی از خزائن ملوک سلف به خزانه ناصری رسیده بوده (نامزد دوم) و در دوره ناصری عکس تمثالی مشابه آن

(صنیع الدوله)، مترجم و رئیس دارالطباعة و دارالترجمه ناصرالدین شاه است. این کتاب به شرح شهرها و قری و قصبات ایران زمین؛ یعنی ایران بزرگ که گستره آن از رود سیحون تا ماوراء فرات و از دربند باب الابواب در شمال دریای خزر تا جزایر و سواحل خلیج فارس را در برمی گیرد، می پردازد. به جز مباحث جغرافیایی، اعتمادالسلطنه گاه در این کتاب به درج پارهای وقایع تاریخی معاصر نیز پرداخته است.

۴ **تاریخ منتظم ناصری**، کتابی تاریخی تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (صنیع الدوله)، مترجم و رئیس دارالطباعة و دارالترجمه ناصرالدین شاه است. این کتاب که میان سالهای ۱۲۹۸ و ۱۳۰۰ ق نوشته و به شاه تقدیم شد، تاریخ عمومی جهان را از هجرت پیامبر اسلام ص تا آغاز فرمان روایی قاجاریان (دولت قاجاریه) در بر دارد.

۵ **مرآت الوقایع مظفری**، نوشته عبدالحسین خان ملک المورخین، تصحیح عبدالحسین نوایی می باشد. این کتاب، جنگی فارسی از یادداشتها درباره رویدادهای ایران و مردمان این سرزمین از ذی القعدة ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۴ ق؛ یعنی روزگار فرمان روایی مظفرالدین شاه است.

۶ ابوالحسن غفاری ملقب به صنیع الملک (۱۱۹۲ - ۱۲۴۵)

نقاش، عموی محمد غفاری (کمال الملک)

7 Wilson, Samuel Graham (۱۸۵۸-۱۹۱۶ م)

مدیر مدرسه مموریال تبریز در زمان مظفرالدین شاه

8 Jakob Eduard Polak (۱۸۹۱ - ۱۸۱۸ م)

آلمانی، یهودی، پزشک، داروساز، وی به دعوت امیرکبیر برای تدریس در دارالفنون همراه با شش استاد دیگر اتریشی در سال ۱۸۵۱ م، پیش از گشایش دارالفنون به ایران آمدند. او با تربیت دانش آموزان دارالفنون و تألیف اولین کتب پزشکی مدرن، نقشی کلیدی در معرفی پزشکی نوین به ایران ایفا کرد. دکتر پولاک در سال ۱۲۳۴ ش/ ۱۲۷۲ ق/ ۱۸۵۵ م، پس از مرگ دکتر کلوله و قبل از استخدام دکتر تولوزان، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود و پس از ۱۰ سال اقامت در ایران در ۱۸۶۰ م به وطن خود بازگشت. چندی بعد از بازگشت به اتریش در فوریه ۱۸۶۵ / رمضان ۱۲۸۱ ق کتابی تحت عنوان ایران و ایرانیان منتشر کرد. او در سال ۱۸۸۳ م بار دیگر به ایران سفر کرد و به مطالعه و تحقیق در منطقه الوند پرداخت. وی در مدتی که در ایران بود، فارسی را فراگرفته و به روانی صحبت می کرد. او به مناطق مختلف ایران سفر کرد و تمام چیزهایی را که می دید، در خاطراتش به رشته تحریر درآورد. کتاب خاطراتش در سال ۱۹۸۲ به فارسی نیز ترجمه شد.

9 Heinrich Karl Brugsch (1872-1894)

آلمانی، خاورشناس، وی در جوانی و کهنسالی سفرهایی به آسیا و آفریقا نمود و دو بار نیز به ایران مسافرت کرد.

نعمر آن را بیش از دوره ناصری نشان دهد، این تمثال مربوط به سند کتابچه بوده است. اما در صورتی که عمرسنجی دقیق عمر آن را حدود دوره ناصری تعیین نماید، این تمثال اثر صنیع الملک بوده است و تمثال خزائن ملوک سلف به لحاظ ابعاد، تکنیک، فرم و محتوا دقیقاً مشابه به آن بوده است. در جمع بندی باید گفت در خزانه ناصری یک نوع تمثال واحد در سه اثر موجود بوده که یکی نشان تمثال عمل صنیع الملک بوده، یکی از خزائن ملوک سلف ایرانی رسیده بوده (نامزد دوم) و دیگری از کشوری خارجی ابتیاع شده بوده است (نامزد اول یعنی تمثال خزانه موزه جواهرات ملی). این بدین معنی است که هر دو نامزد در دو دوره زمانی مختلف (ملوک سلف و ناصری) از روی یک پیش متن واحد ایجاد شده بوده اند. متأسفانه در حال حاضر اطلاعات دقیقی از اینکه این تمثالها بر اساس چه پیش متنی ایجاد شده بوده اند، در کدام موزه و کدام کشور موجود بوده اند، و توسط چه کسی/ کسانی به ایران آمده بوده اند، وجود ندارد ولی چون تمثالهای مشابه به آنها از دوره صفوی در ایران وجود داشته اند، مشخص است که پیش متنی تصویری از دوره صفوی در ایران وجود داشته است. باور بر این بوده که این تمثالها از روی تمثالی اصلی ایجاد شده اند که در زمان حیات حضرت علی(ع) از روی چهره مبارک ایشان توسط نقاش مسیحی ایجاد شده است.

پی نوشتها

۱ **روضه الصفا**، کتاب تاریخ عمومی نوشته محمد بن خاوند شاه معروف به میرخواند است. وی در این کتاب حوادث تاریخ جهان، از آغاز آفرینش تا روزگار خود یعنی دوران حکومت سلطان حسین بایقرا را آورده است. پس از درگذشت میرخواند، نوه دختری او خواندمیر به تکمیل کتاب روضه الصفا پرداخت و حوادث تاریخی را از شرح تاریخ زندگانی سلطان حسین بایقرا تا حوادث تاریخی سال ۹۲۹ ق به صورت تکمله ای بدان افزود. در دوره قاجار، رضاقلی خان هدایت طبهرستانی تکمله ای بر روضه الصفا با عنوان روضه الصفا ناصری نگاشت و حوادث تاریخی را از آغاز حکومت صفویه تا سال ۱۲۷۳ ق شرح داد.

۲ **ناسخ التواریخ**، تألیف محمدتقی لسان الملک سپهر، کتابی است در تاریخ عمومی عالم، از ابتدای آفرینش آدم تا سال ۱۲۶۷ ق، که دربردارنده گزارش رویدادهای زمان مذکور است. این کتاب که می توان به اعتباری آن را در زمره تواریخ عمومی به شمار آورد، با دستور محمد شاه قاجار به میرزا محمدتقی خان سپهر و حمایت های حاج میرزا آقاسی تألیف یافت.

۴ **مرآت البلدان**، تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه

10 Joseph Arthur de Gobineau (۱۸۱۶-۱۸۸۲)

فرانسوی، نویسنده، خاورشناس، شاعر، تاریخ‌نگار، پژوهشگر و سیاستمدار

گوپینو در سال ۱۸۵۵ به همراه همسر و دخترش از طریق بندر بوشهر به ایران آمد و از طرف دربار استقبال باشکوهی از او به عمل آمد. در طول اقامت خود در ایران به زبان فارسی مسلط شد و به کارهایی از قبیل سکه‌شناسی و مطالعه تاریخ و فلسفه و ترجمه متون فارسی به فرانسه مشغول گشت. گوپینو در سال ۱۸۵۸ بار دیگر به فرانسه بازگشت و به آمریکا رفت و بعد از مدتی بار دیگر در مقام سفیر فرانسه به تهران اعزام شد و تا سال ۱۸۶۳ در این مقام باقی ماند.

۱۱ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه ملقب به صنیع‌الدوله (۱۲۵۹-۱۳۱۳ق)

دانشمند و سیاستمدار مشهور عصر ناصرالدین شاه

۱۲ از این گزارش مشخص است که میرزا ابوالحسن خان در این تاریخ لقب نقاش‌باشی گرفته بوده ولی لقب صنیع‌الملک نگرفته بوده است.

13 Agnete (Jerichau) Laessøe

وی به همراه همسر خود به تهران آمده بود و همسرش به عنوان یک افسر در ارتش ناصرالدین شاه در دهه ۱۸۷۰ خدمت می‌کرد.

۱۴ کاندید

۱۵ اگرچه در مورد تاریخ دقیق ساخت تکیه دولت، نقل قول‌های متفاوتی وجود دارد، اما گفته شده است که ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۳ ق اوامری برای ایجاد و تاسیس تکیه دولت به دوست‌علی خان معیرالممالک صادر کرد. ساخت این بنا مدت حدود ۴ الی ۵ سال یعنی از ۱۲۸۵ تا حدود ۱۲۹۰ ق به درازا انجامیده است.

۱۶ امید است که با پیشرفت علم و فناوری در آینده، بتوان تاریخ دقیق خلق اثر را مشخص نمود.

منابع

۱۷ دوست‌علی معیری (دوست‌علی خان معیرالممالک) (۱۲۵۳ - ۱۳۴۵ ش) (۱۲۹۱ - ۱۳۸۶ ق) پسر دوست‌محمد خان معیرالممالک، نوه دختری ناصرالدین شاه قاجار، ملقب به «عصام‌السلطنه» و «معیرالممالک»، آخرین صاحب لقب از خاندان معیری.

وی در اواخر عمر به پیشنهاد حبیب یغمایی خاطرات خود از دوران ناصرالدین شاه را به رشته تحریر درآورد که در چندین مقاله پی در پی در مجله یغما و پس از آن به صورت کتاب‌هایی جداگانه منتشر شدند.

۱۸ هر چند به دلیل رفاقت معیر الممالک و صنیع‌الملک ممکن است تمثال مسجد معیر را هم صنیع‌الملک کشیده باشد، ولی تعریف روزنامه وقایع اتفاقیه مربوط به تمثالی است که برای شخص شاه کشیده شده است.

۱۹ ها کوپ‌هوناتانیا

تفلیسی، ارمنی، نقاش‌باشی ناصرالدین شاه

۲۰ از جمله نقاشی‌های رنگ روغنی روی که بر روی پارچه بوم شده ترسیم و سپس روی دیوار چسبانده شده است در دوره صفوی می‌توان نقاشی‌های طاقچه‌های بلند تالار اشرف، نقاشی‌های سالن مرکزی کاخ عالی‌قاپو و طبقه دوم کاخ هشت بهشت را نام برد.

تشکر

با تشکر از آقای دکتر مهدی برادران، مدیر عالی حرم مطهر رضوی

با تشکر از آقای محمد مهدی زاهدی، رئیس اداره ذخائر و نفائس (خزانة) موزه آستان قدس رضوی

با تشکر از آقایان سید محمد بهروز و مهدی یوسفی، کارشناس فنی مرمت آثار اداره ذخائر و نفائس (خزانة) موزه آستان قدس رضوی

با تشکر از آقایان مهدی یزدی و حمید منظمی، کارشناسان اداره ذخائر و نفائس (خزانة) موزه آستان قدس رضوی

● اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷ الف). *مرآة البلدان*، جلد دوم، جلد سوم، تهران: دانشگاه تهران.

● ----- (۱۳۶۷ ب). *منتظم ناصری*، جلد سوم، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

● ----- (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

● آرژند، یعقوب (۱۳۹۰). *میرزا ابوالحسن خان غفاری صنیع‌الملک*، تهران: امیرکبیر.

- بروگش، هاینریش کارل (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ج ۲، ترجمه مهندس کردیچه، انتشارات اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸ ش). *سفرنامه پولاک*، چاپ دوم، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- دوگوبینو، آرتور (۱۳۸۳). *سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر قطره.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۲). میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک غفاری مؤسس نخستین هنرستان نقاشی در ایران (۲)، *هنر و مردم*، شماره ۱۱، صص ۱۶-۳۴.
- سپهر، محمد تقی بن محمدعلی (۱۳۵۳ ش). *ناسخ‌التواریخ سلاطین قاجاریه*، محمدباقر بهبودی، جلد ۴، تهران: اسلامیه.
- سلیمی نمین، هاجر؛ گودرزی، مصطفی؛ نامورمطلق، بهمن (۱۴۰۱). شمایل‌خانه گمشده؛ تمثال‌های حضرت علی (ع) در زمره جواهرات سلطنتی ناصرالدین شاه قاجار، *رهپویه هنر/ هنرهای تجسمی*، دوره پنجم، شماره ۴، (پیاپی ۱۷)، صص ۷۵-۸۶.
- کریم زاده تبریزی، محمد علی (۱۳۶۳ ش). *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و گورکانی*، جلد اول، لندن: انتشارات مستوفی.
- محمدزاده، مهدی (۱۳۸۶). *مدال‌های مصور و تقدیس قدرت در عصر قاجار*، گلستان هنر، س ۳، ش ۲ (پیاپی ۸)، صص ۶۱-۶۸.
- منشی قمی، قاضی میراحمد (بی‌تا). *گلستان هنر*، احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۳۶). رجال عصر ناصری، *یغما*، سال دهم، شماره ۴ (پیاپی ۱۰۸)، صص ۱۶۸-۱۷۵.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۲۷۳ ق). *روضه‌الصفای ناصری*، بی‌جا: بی‌نا.

اسناد

- (۱۲۹۱ الی ۱۳۱۷ ق). *کتابچه سند جواهرات سلطنتی*، شماره ثبت: ۶۱۶۴، موزه ملک.
- (بی‌تا). *کتابچه اسباب موجودی در موزه سلطنتی ایران*، شناسه سند: ۲۹۵/۷۱۸۴، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- (۱۲۷۵-۱۲۸۲ ق). *کتابچه جنسی بیوتات*، شناسه سند: ۲۹۵/۷۲۱۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

روزنامه‌ها

- (۱۲۷۳ ق). *روزنامه وقایع اتفاقیه*، شماره ۳۰۵.
- (۱۲۷۳ ق). *روزنامه وقایع اتفاقیه*، شماره ۳۱۷.

References

- Azhand, Y., (2011). *Mirza Abulhasan Khan Ghafari Sani al-Molk*, Tehran: Amir Kabir Publication (Text in Persian).
- -----, (1988). *Reise der königlich Preussischer Gesandtschaft nach Persien 1860 und 1861*, Volume II, translated by: Kurdbeche, Ettelaat Publication (Text in Persian).
- Etemad al-Sultaneh, M. H. K., (1988 A). *Mir'at al-buldān*, Volume II & III, Tehran: University of Tehran (Text in Persian).
- -----, (1988 B). *Montazam-e Naseri*, Volume III, edited by: Mohammad Esmail Rizvani, Tehran: Duniya-i Ketab (Text in Persian).
- -----, (1971). Etemad al-Saltaneh diary, (2th ed), Tehran: Amirkabir Publication (Text in Persian).
- Karimzadeh Tabrizi, M.A., (1984). *The lives & art of old painters of iran, and a selection of masters from the ottoman & indian region*, Volume I, London: Mostofi Publication (Text in Persian).
- Khosronejad, P., (2018), *Qajar Shiite Material Culture: From the Court of Naser al-Din Shah to Popular Religious Paintings*, Oklahoma: Iranian and Persian Gulf Studies Program, Oklahoma State University.
- Laessøe, A. (Jerichau), (1881). *Fra Persien*, Kjøbenhavn: Andr. Schous Forlag.
- Moayer al-Mamalek, D.A.Kh., (1957). Rijal-e Asr-e Naseri, *Yaghma*, 4, 168-175.
- Monshi Qomi, Q.M., (without date). *Golestan-e Honar*, edited by: Ahmad Soheili Khansari, Tehran: Culture (Farhang) of Iran Foundation Publication (Text in Persian).
- Mohammadzadeh, M., (2007). Pictorial Medals and the Power Sanctifying in Qajar Period, *Golestan-e Honar*, 2, 61-68.
- Polak, J.E., (1989). *Persien: Das Land und seine Bewohner: ethnographische Schilderungen*, (2nd ed), translated by: Kikavos Jahandari, Tehran: Kharazmi Publishing Company (Text in Persian).
- Salimi Namin, H.; Gudarzi, M.; Namurtalaq, B., (2022). The lost Shamayel-Khaneh; The images of Imam Ali (as) among the royal Jewelry of Nasser al-Din Shah Qajar, *Art Guide/Visual Arts, Rahpooye Honar-Ha-Ye Tajassom*, 5, 4, 75-86.
- Sepehr, M.T., (1974). *Nasikh al-tawarikh of Qajar Sultans*, edited by: Mohammad Baqer Be-boodi, Volume IV, Tehran: Islamia (Text in Persian).
- Wilson, S. G., (1895). *Persian life and customs, with scenes and incidents of residence and travel in the land of the lion and the sun*, Chicago: Student Missionary Campaign Library.
- Zoka, Y., (1963). Mirza Abolhasan Khan Sani-ul-Molk Ghafari, the founder of the first painting academy in Iran (2), *Art and People*, 11, 16-34.
- -----, (1999). Hakob Hovnatanyan, *Tavus*, Tehran: Honar-e Iran Publishing, 1, 32-34.

Documents.

- (1874- 1899). *Royal Jewelry Document Booklet*, Registration number: 6164, Malek Museum.
- (without date). *Objects in the Royal Museum of Iran Booklet*, document ID: 295/7184, National Library of Iran.
- (1865-1858). *Jensi Boutat Booklet*, Document ID: 295/7217, National Library of Iran.

Newspapers

- (1856). *newspaper Vagaye-e Ettefaqiye*, No. 305.
- (1856). *newspaper Vagaye-e Ettefaqiye*, No. 317.

Research Article

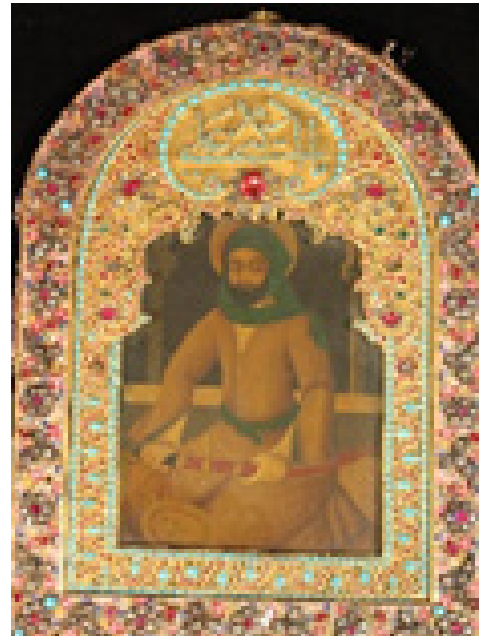


<https://arjgap.alzahra.ac.ir/>

The Icon of Imam Ali (AS) in the Treasures of the Previous Monarchs

Abstract:

In the case of the treasury of Naser al-Din Shah Qajar, firsthand sources are its documents and goods, newspapers of the memories of Naser al-Din Shah and his courtiers, travelogues, government newspapers, and books such as *Rawzat aṣ-ṣafā-e Naseri*, *Nasikh al-tawarikh of Qajar Sultans*, *Mir'āt al-buldān*, *Montazam-e Naseri*, etc., which were created during that period. The important point is that some firsthand sources include the writings of people whom were close to the happening that they are writing about. It is possible that, for various reasons, some firsthand sources will print an article that is not true; such cases can be seen in many government newspapers, courtiers' memoirs, etc., and especially in many travelogues. Therefore, the firsthand sources can be divided into two categories in terms of credibility, and there is always an original and authentic category and another category that needs to be verified. Among the issues that have always occupied the writer's mind regarding the icons of Hazrat Ali (AS) is the icon in the treasures of the previous monarchs of Naser al-Din Shah. No. 305 of the newspaper *Vaqaye-e Ettela'iyeh* in 1273 A.H. has mentioned an icon of Imam Ali (AS) that has been painted during his reign from his blessed face and has been transferred from the treasures of the previous monarchs to the treasury of the Naseri. Today, there is no information about the treasures of the previous monarchs, and no independent research has been done about it. The main question of the current research is whether such an icon exists. The sub-questions are related to how the icon of the treasures of the previous monarchs was, who the previous monarchs were,



Hajar Salimi Namin

Assistant Professor, Department of Graphic Design, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran, Corresponding Author.
h.salimi@alzahra.ac.ir

Mostafa Goudarzi

Professor, Department of Art, College of Fine Arts, Faculty of Visual Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.
Goudarzi40@gmail.com

Bahman Namvar Motlagh

Associate Professor, Department of French language and literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
bnmotlagh@yahoo.com

Date Received: 2023-12-24

Date Accepted: 2024-08-31

1- DOI: 10.22051/pgr.2024.45976.1232

which icon was its reference and which country was the origin of it, and how was the reference icon from which Sani al-Mulk has painted the medallion under the command of Naser al-Din Shah. In this way, the research is based on the hypothesis that the icon of the treasures of the previous monarchs has been documented in the Royal Jewelry Document Booklet of the Naseri period, and the most important goal then has been to find the icon of the treasures of the previous monarchs. The booklet in question contained the documents of the icons in the treasury and the court of Naser al-Din Shah, and it is currently kept at Documentation Center of the Malek National Library and Museum Institution under registration number 6164. In this booklet, there are documents of five icon of Hazrat Ali (AS), which were introduced and identified in the article "The Lost Shamayel-Khaneh". In this way, these five icons of Hazrat Ali (AS) have been considered as the statistical population of the current research, and an attempt has been made to find out the icons of treasures of the previous monarchs among the icons of the statistical population by using qualitative (inductive) research method and by using the tools of description, evaluation, analysis, comparison and matching. The first icon of the booklet is a medallion, which was painted by Sani al-Mulk, and there is no information about its current fate. The second icon is a photograph of the blessed face of Hazrat Ali (AS) under the stone mirror and is now kept in The Treasury of National Jewels. The third icon is the work of Agha Hassan, the nephew of Agha Yaqoub, and the fourth icon is the work of Ismail Jalayer, and both are now kept in the treasury of the Golestan Palace. The fifth icon in the booklet is an oil painting of the image of Hazrat Ali (AS) on canvas that its creator and location are unknown. The information that we have found through the texts of other Qajar reports about the icon of the treasures of the previous monarchs is that Sani al-Mulk had copied an icon from it on a medallion under the command of Naser al-Din Shah. In the way of discovering

how the icon of the treasures of the previous monarchs was, the first step is the order that Sani al-Mulk was painted from it, because this icon had a direct reference to the icon of the treasures of the previous monarchs. According to the comparative studies carried out in this research, it seems that the first icon document in the Royal Jewelry Document booklet is related to the order icon drawn by Sani al-Mulk, and therefore, the icon of the treasures of the previous monarchs must be similar to it. It should be noted that out of these five icons, three icons do not have the factors of being the candidate of treasures of the previous monarchs; because the first icon was drawn by Sani al-Molk from the icon of the treasures of the previous monarchs, and the fourth icon was the work of Ismail Jalayer, so they were not from the previous monarchs. The third icon also did not exist in the Shamayel-Khaneh before and was added by Agha Hassan, the nephew of Agha Yaqub, and therefore, it was not from the treasures of the previous monarchs. Therefore, the remaining two icons were identified as candidates for the treasury of the previous monarchs and were investigated. Not only the two candidates are very similar, but they both also resemble the icon of the medallion. Therefore, the task was clear about the shape, form, and general content of the icon of the treasures of the previous monarchs, and the discussion was about the details. Investigations showed that the first candidate was bought by Naser al-Din Shah in 1282 A.H. and therefore it did not come from the treasures of the previous monarchs, and therefore the second candidate came from the treasures of the previous monarchs. It seems that the icon belonged to the time period before the Naseri period to the Safavid period; Therefore, the characteristics of the icon were extracted from the text of the document and compared with the important oil paint icon in the Qajar period that was installed in the Takyeh Dowlat, and the results of the study showed that the characteristics of the icon of the Takyeh

Dowlat, which is now kept in the treasury of The Astan Quds Razavi Museum, is equal to the document, and if the accurate age measurement of the icon of Takyeh Dowlat shows that it is older than the Naseri period, then this icon belongs to the booklet document and this is the icon of the treasures of the previous monarchs. However, if accurate age measurement determines its age around the Naseri period, then this replica icon is equal to the original icon of treasures of the previous monarchs and was created in the Naseri period, and the icon of the treasures of the previous monarchs has not been found yet. Since the reports of the newspaper *Vaqaye-e Ettefaqiyeh* were recorded in issues 305 and 317 with a gap of about four months, they may have talked about two different icons of Imam Ali (AS) created by Sani al-Mulk. Especially because the first report talks about the order, but there is no mention of the order in the second report. The report of 317 of the newspaper *Vaqaye-e Ettefaqiyeh* also implicitly refers to the unrivaled skill of Sani al-Mulk in the European style of realism and naturalism. From this issue, it can be understood that the work that was modeled for the duplication has a realistic style and Sani al-Mulk has completed this duplicating with complete skill. Therefore, if we consider the fact that the icon of the treasures of the previous monarchs was the model of Sani al-Mulk in creating this particular icon, and referring to report 317, it should be said that if the icon of the treasury of Astan Quds Razavi Museum is not the icon of the treasures of the previous monarchs, then it is the Sani al-Mulk's admired icon. At this point, the author only raises the issue of attributing the icon of the treasury of Astan Quds Razavi Museum to Sani al-Mulk and defers the definitive result to the announcement of the result of the exact age of this icon. In summary, it should be said that there is a single type of icon in three works in the Naseri treasury, one of which is the icon of Sani al-Mulk, one of which was obtained from the treasures of the previous Iranian monarchs (the second

candidate) and the other one was purchased from a foreign country (the first candidate, that is in The Treasury of National Jewels). This means that both candidates were created from a single pretext in two different time periods (previous monarchs and Naseri period). Unfortunately, at present, there is no accurate information about what pretext these icons were created based on, in which museum and which country they were available, and by whom they came to Iran. But because there were similar icons from the Safavid period in Iran, it is clear that there was a pretext for these icons from the Safavid period in Iran. It is believed that these icons were created from the original icon that was created during the lifetime of Imam Ali (AS) from his blessed face by a Christian painter.

Keywords: Icon of Hazrat Ali (AS), Royal Jewelry, Shamayel-Khaneh, Naser al-Din Shah, Sani al-Mulk, Treasures of the Previous Monarchs